

مورخ سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۱ در ارض
اقدس خطاب به مدیروقارئین مجله شرقی
لندن: درباره فراموش شدن مدنیت الهی
که موجب شیوع جنگ و اختلافات
گردیده است

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۱ در ارض اقدس خطاب به مدیروقارئین مجله شرقی لندن: درباره فراموش شدن مدنیت الهی که موجب شیوع جنگ و اختلافات گردیده است^۱

(خطابات جلد سوم، ص. ۳۰-۳۲)

هو الله

هو الله دوست محترم من نامه شما رسید از آن روابط روحانی که منبعث از جان و وجدان بود نهایت سرور حاصل شد.

در این سفر هر چند واضح و مشهود گردید که عالم غرب در مدنیت مادیّه ترقیات فوق العاده نموده ولی مدنیت الهیه نزدیک است که بکلی فراموش شود. زیرا جمیع افکار در عالم طبیعت غرق گردیده، هر چه هست جلوه جهان طبیعت است نه جلوه الهی. و چون در عالم طبیعت نقائص بسیار، لهذا انوار مدنیت الهیه پنهان و طبیعت حکمران شده است. در عالم طبیعت قوه اعظم تنازع در بقا است و این منازعه در بقا مبدأ و منشأ جمیع مشکل ها و سبب جنگ و جدال و عداوت و بغضاء بین جمیع بشر است. زیرا در عالم طبیعت، ظلم و خود پسندی و آرزوی غلبه و تعدی بر حقوق سایرین، صفات غیر ممدوحه که از رذائل عالم حیوانی است، موجود. پس تا مقتضای طبیعت بین بشر حکمران است، فلاح و نجاح محال. زیرا فلاح و نجاح عالم انسانی به فضائل و خصائلی است که زینت حقیقت انسان است و آن مخالف مقتضای طبیعت است. طبیعت جنگجو است، طبیعت خونخوار است طبیعت ستمکار است طبیعت غافل از حضرت پروردگار است. این است که ملاحظه میفرمائید که این صفات درندگی در عالم حیوانی طبیعی است.

^۱ (لوح مبارک خطاب به) مدیر و قارئین مجله شرقی لندن

لذا حضرت پروردگار محض لطف و عنایت بعث رسل و انزال کتب فرمود تا بتربیت الهی عالم انسانی از فساد طبیعت و ظلمت نادانی نجات یافته بکالات معنوی و احساسات وجدانی و فضائل روحانی موفق گردد و مصدر سنوحات رحمانی شود این است مدنیت الهی. امروز در عالم انسانی مدنیت مادی مانند زجاج در نهایت لطافت است ولی هزار افسوس که این زجاج محروم از سراج است و سراج مدنیت الهیه است که مظاهر مقدسه الهیه مؤسس آنند. باری چون این قرن انوار است قرن ظهور حقیقت است قرن ترقیات است هزار افسوس که هنوز در بین بشر تعصبات جاهلیه و منازعات طبیعی و خصومت و عداوت در نهایت متانت است و جمیع این ضررها از آن است که مدنیت الهیه بکلی از میان رفته و تعالیم انبیا فراموش گردیده. مثلاً نص تورات است که جمیع بشر خلق رحمانند و در ظل الطاف پروردگار نه خلق شیطان، نص انجیل است که آفتاب الهی بر مطیع و عاصی پرتو انداخته و در قرآن می فرماید لا تری فی الخلق الرحمن من تفاوت این است اساس مظاهر مقدسه الهیه. ولی هزار افسوس که سوء تفاهم بکلی بنیان انبیا را بر انداخته لهذا دین که باید سبب محبت و الفت باشد و مؤسس وحدت عالم انسانی گردد سبب بغض و عداوت گردیده. شش هزار سال است که در بین بشر خون ریزی و درندگی است که از خصائص عالم حیوانی است ولی بظاهر نام تعصب دینی و تعصب جنسی و تعصب وطنی نهاده اند و تیشه بر ریشه عالم انسانی میزنند صد هزار افسوس.

باری من در جمیع ممالک غرب سیاحت نمودم و در جمیع مجامع و کائس عظمی بموجب تعالیم حضرت بهاء الله اعلان وحدت عالم انسانی نمودم و ترویج صلح عمومی کردم. نعره زنان جمیع را به ملکوت الهی دعوت نمودم که الحمد لله شمس حقیقت از افق شرق در نهایت لمعان اشراق نموده و بر جمیع آفاق پرتو انداخته، پرتو او تعالیم آسمانی است و آن اعلان وحدت عالم انسانی است و ترویج صلح عمومی و تحرری حقیقت و تأسیس الفت و محبت بقوه دیانت و تطبیق علم و عقل و دین و ترک تعصب دینی و جنسی و وطنی و سیاسی و تعمیم معارف عمومی و تحکیم محکمه کبرای عمومی که حل مشکلات مسائل مختلفه بین دول و بین المللی نماید و تربیت عموم اناث نظیر رجال در جمیع فضائل انسانی و حل مسائل اقتصادی و تأسیس لسان عمومی و امثال ذلک تا عالم انسانی از ظلمت ضلالت نجات یابد و بمطلع انوار هدایت رسد و به کلی این نزاع و جدال و خصومت و عداوت در بین بشر از بنیان بر افتد و سوء تفاهمی که بین ادیان است زائل گردد، زیرا اساس ادیان الهی یکی است و آن وحدت عالم انسانی است. الحمد لله در امریکا گوش های باز یافتیم و نفوسی همدم و همراز دیدم که مقاصد آن نفوس القاء الفت بین جمیع بشر است و نهایت آرزو ترقیات فوق العاده عالم انسانی. و همچنین در لندن نفوس مبارکی را ملاقات کردم که بجان و دل در القاء محبت و الفت در بین بشر می کوشند.

امیدم چنانست که روز به روز، این افکار عالیّه انتشار یابد و این مقاصد خیریه جلوه نماید تا جمیع ملل عالم، مظاهر سنوحات رحمانیه گردند و در بین ادیان و اقوام، نزاع و جدالی نماند. این است عزّت ابدیه، این است سعادت سرمدیه، این است جنّت عالم انسانی. ع ع

